

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ اگست ۲۰۲۱

کاهش جرایم و یا انحصاری بودن آن؟

سه شنبه ۰۲ سنبله ۱۴۰۰ - کابل: از ده روز بدین سو که مثلث ارگ فرار و اداره پوشالی آنها ساقط و طالب بر شهر کابل و تقریباً تمام افغانستان حاکم شده اند، رسانه ها گزارشات و اخبار کمی از حوادث جنائی و سارقانه در شهر کابل پخش نموده اند، این کاهش پخش چنان اخباری نزد برخی ها چنین توهمی را بار آورده است که گویا طالب امنیت نسبی را قایم نموده است. در یادداشت کنونی می بینیم که واقعاً در شهر کابل و بقیه شهرهای افغانستان در کل چه می گذرد؟

۱- نخستین عامل کاهش پخش اخبار جرایم جنائی آن است، که تمرکز بیش از حد تمام رسانه ها عمدتاً به دو نکته جلب شده است، یکی این که در میدان هوائی کابل چه می گذرد و دیگری تلاش های مذبوحانه مثلث جدید خیانت یعنی "کلب الدین، حامد کرزی، عبدالله عبدالله" سرانجام به کجا کشید و آیا آنها موفق شده اند با طالب در زمینه مشارکت شان در قدرت به نتایجی برسند و یا خیر؟ در این میانه نه تنها مردم و رسانه ها بحث روی جرایم و جنایات خرد و بزرگ را متوقف ساخته اند و حتا نمی بینند که طالب چگونه افرادی را به خاطر حمل بیرق سه رنگ با مشت و لگد مضروب می سازند، و یا با شیوه های قرون وسطائی کسانی را به اتهام دزدی اینجا و آنجا چپه بر خری سوار و رویش را سیاه می نمایند و یا هم بر گردنش ریسمان انداخته، به تماشا می گذارند، بلکه حتا یک کلمه در باره حضور فعال "خلیلزاد" به مثابه "وایسرای اصلی افغانستان" و آمد و رفت رهبر "سیا" نیز گزارشی ارائه نمی دارند.

از آن گذشته تعدادی از رسانه ها به دوعلت، یکی یا خود را از شر طالب خلاص نمودن و فرار از اتهام تخریب طالب و ناتوانی آن در تأمین امنیت و دیگری آگاهانه جهت دادن یک امتیاز مثبت به طالب که گویا در شهر ها امنیت را تأمین نموده است، از درج اخبار و جریانات جنائی امتناع می ورزند.

این یعنی عطف و توجه در دو مورد خاص و عامدانه بقیه روال زندگی در افغانستان را از قلم انداختن که نباید به معنای تأمین امنیت تلقی بگردد، چه اجتناب از تذکر جنایت به معنای عدم وجود جنایت نیست.

۲- دومین عامل تقریباً سفید ماندن ستون های خبری جنائی در رسانه ها، هراس و ترسی است که تعدادی از خس دزدان و دزدان منفرد و محتاج از حاکمیت طالب دارند. آنها که از گذشته های دوران حاکمیت طالب یا خود مستقیماً خاطره دارند و یا هم ضمن شنیدگی ها، خشونت های غیر انسانی شان را در روز های اخیر نیز شنیده و دیده اند و می دانند که چون دست شان از دامن "ملا و مولوی و طالب" دور و کوتاه است، ممکن عجلتاً وقفه ای در کار شان ایجاد نموده باشند تا خود را در دم تیغ برهنه طالب نیندازند.

۳- سومین عاملی که باعث کاهش جرایم جنائی است، سقوط اداره پوشالی و نیروهای امنیتی آن است. با در نظر داشت این که در طول سالهای پار، بارها به تجربه ثابت شده بود که نیروهای امنیتی اداره پوشالی یا خود در انجام جرایم و جنایات مستقیماً دست داشتند و یا این که به مثابه رهنما و حامی جانیان و سارقان عمل می نمودند، در نتیجه سارقان و جنایتکاران همیشه حمایت، امکان و فرصت آن را داشتند تا به جنایات شان ادامه دهند و بدون هراس از پیگرد، در سلامتی به سر برند، همین که اکنون نیروهای امنیتی گذشته در قدرت نیستند، خود به خود باعث شده است تا میزان جرایم و جنایات کاهش بیابند.

۴- چهارمین عامل که در اصل، اساسی ترین و عمده ترین عامل به شمار می رود، این است که در تمام جرایم و جنایاتی که قبلاً صورت می گرفت، نیروهای طالب یا خود مستقیماً دخالت داشتند یعنی مجری و انجام دهنده جنایت، سرقت، اختطاف و تجاوز به عنف بودند و یا این که مجرمین با برخورداری از حمایت آنها به جنایات شان اشتغال داشتند. اینک که جنایتکاران خود به قدرت رسیده اند و دیگر بدان نیاز ندارند تا حاکمیت را از طریق ترنید جرم و جنایت تضعیف و نا امنی را دامن بزنند، و از جانب دیگر درب تمام مراکز پولی یعنی تمام بانکها از افغانستان بانگ گرفته تا بانک های نیمه دولتی و خصوصی بر رخ شان باز است و هیچ کسی نمی داند که به چه مقدار بردند و چه مقدار را دزدی نمودند، به خصوص وقتی مقداری را "غنی احمدزی" و باند کثیفش نیز برده باشند، دیگر نیازی به خس دزدی و موبایل دزدی ندارند.

هموطنان گرامی!

حاکمیت طالب بیانگر کاهش جنایت و تأمین امنیت نیست بلکه مبین انحصاری بودن جرم و جنایت است. یعنی طالب با سرنیزه و تفنگ می خواهد به همه بقبولاند که دزدی، سرقت و جنایت نیز حق انحصاری آنهاست و هیچ کسی در افغانستان به غیر از طالب حق ندارد، دزدی نماید و یا جنایتی را مرتکب گردد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!